ارتباط احکام طولی با اغراض شارع

شاگرد: شاید توهم شود که با جعل احکام غیر الزامی نظم به هم بخورد. دو طرف دارد؛ یکی این است که بهتر است بگیری و یکی هم این است که عده‌ای نمی‌گیرند.

استاد: این هم مطلب خوبی است. ببینید در زمان ما خیلی محل ابتلاء می‌شود. یعنی خیلی از مسائل هست که وقتی مرجعیت روشن دارد، بی نظمی موردی، به مقصود شارع صدمه نمی‌زند. من یک مثال ساده را عرض می‌کنم. الآن نوع عوام شیعه در ذهنشان این است که قنوت نماز واجب است. مدام هم می‌آیند و می‌پرسند. می‌گویند آن روز یادم رفت. می‌گویند وای چه شد؟! به کجا رسیدیم؟! مستحب خدا واجب شده. درحالی‌که مستحب خدا واجب نشده. یعنی الآن یک تلقی‌ای هست که شارع از این خوشش می‌آید. این‌که به خیال بدنه عوام برسد که قنوت واجب است. ولی تردیدی در مرجعیت استحباب قنوت در زمانی که دنبالش بروی نیست. آن مرجعیت به رفتار بیرونی نظم می‌دهد که از نظر حکم، شارع مخ آن را کوبیده است.

الآن با همین کاری که شارع کرده در بین شریعت اسلامی برای کل مسلمین همه می‌دانند که صوم یوم الشک واجب نیست. پس اگر کسی روزه می‌گیرد همه می‌دانند که یوم الشکی را می‌گیرد که شارع مخ آن را در روز اول کوبید. چه چیزی را کوبید؟ این‌که واجب نیست. درایصورت دیگر هرجومرج نیست. ولو شما ببینید که فلانی روزه‌دار است، خب روزه‌دار است، همانطور که می‌توانند روزهای دیگر را هم روزه بگیرد. این نکته خیلی مهمی است که وقتی شارع مخ چیزی را کوبید با این کوبیدن به هدف خودش رسیده. لذا احکام طولی نقش بسیار مهمی دارد. یعنی یک انشاء و یک استحبابی را روی آن انشاء پایه سوار می‌کند و این انشاء سوارشده طوری است که به محض این‌که انشاء سوارشده به مشکل برخورد کند برمی‌گردد به آن انشاء در طول او. آن‌که از بین نرفته. لذا تعارض نیست. یعنی آن انشاءِ در طول، موجود است وقتی موجود است آن استحباب و ...؛ لذا من عرض کردم چون این دو در طول هم هستند وقتی من طلبه دیدم که اگر به احتیاط ترغیب کنم دارد به حکم اصلی شارع صدمه می‌زند، درایصورت نباید احتیاط کرد.

> 37:03

مثلاً می‌بینید چون مواردی پخش شده بود می‌گوید من این ذبیحه را نمی خورم و احتیاط می‌کنم. اما یک جایی می‌رسد که این احتیاط می‌خواهد به بدنه گسترش پیدا کند، آن جا می‌بینید عالمی هست که اعلم است، درجه کامل قدس را دارد، یک ترک مستحب نکرده چه برسد به مکروه، اینجا جلوی همه می نشیند و جلوی همه این مرغ را می‌خورد. وجه کار او الآن بالاتر از استحباب است. چون مرام شارع را می‌داند. شارع نمی‌خواهد در سوق و... این احتیاط گسترده شود تا هر کجا که می‌روی می‌گویند تمام شد. این عمل نشان می‌دهد که مرام من این است. این‌ها اصل مقصود من است. این‌ها در طولی است که از آن‌ها نمی گذرم. بله، وقتی مخ این را کوبیدم و نظم سوق باقی بود حالا احتیاط می‌کنیم. مشکلی ندارید. بی‌نظمی هم نیست. مقصود من روشن است؟

بازبینی #1
ایجاد شده 7 ژوئن 2026 14:36:49 توسط ... .
به روزرسانی شده 7 ژوئن 2026 14:37:46 توسط ... .